

◇ نشریه علمی زن و فرهنگ

سال یازدهم، شماره ۴۱، پاییز ۱۳۹۸

صفحات: ۱۴۸-۱۳۵

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۱/۰۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۲۳

نقش راهبردی بانوی قهرمان کربلاء در اشعار شاعران مسیحی عرب معاصر

مریم رحمتی ترکاشوند*

جبار آنزبار**

فاطمه فیض الهی***

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی بازتاب شخصیت حضرت زینب (س) - به عنوان پرچمدار نهضت کربلا- در شعر شاعران مسیحی معاصر است زیرا شخصیت والا و نقش تعیین کننده ایشان در حوادث عاشورا و مابعد آن، از جمله خطبه‌های افشاگرانه‌ای که برای بیداری افکار عمومی، بیان مظلومیت اهل بیت (ع) و افشای هویت دشمنان آنان ایراد کردند، سبب شده است تا نویسندگان و شاعران زیادی از آیین و مذاهب مختلف به مدح و ستایش ایشان به عنوان نماد ظلم ستیزی و آزادی پردازند. روش تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی می باشد و از طریق منابع کتابخانه‌ای مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته‌اند. جامعه‌ی آماری مورد بررسی در این پژوهش دیوان اشعار شاعرانی مانند بولس سلامه، ریمون قسیس، جورج شکور، جوزف هاشم و میشل سلیم کعدی است. یافته‌های پژوهش نشان داد که شاعران مسیحی در اشعار خویش بیشتر روی نقش حضرت زینب (س) در کربلا و حوادث بعد از آن از جمله حضور در واقعه عاشورا، ایراد خطبه در مجلس یزید و عبیدالله و دفاع از جان امام سجاد (ع)، روشنگری در مورد قیام عاشورا، رسوایی خاندان اموی و ... توجه داشته‌اند و حضرت زینب (س) را نماد و الگویی برای مبارزه با استعمار و ظلم ستیزی دانسته و در عصر معاصر، خود را ادامه دهنده راه ایشان در مبارزه با ظلم و بیداد می‌دانند.

کلید واژگان: بانوی قهرمان کربلاء، شعر عربی، شاعران مسیحی.

*استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول، ایمیل: rahmatimaryam88@gmail.com)

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (ایمیل: jabbarazarbad1372@yahoo.com)

*** کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (ایمیل: f.feizolahi00@gmail.com)

مقدمه

ظلم ستیزی یکی از مؤلفه‌های اصلی ادبیات پایداری و مقاومت است. بزرگ‌ترین قیام ضد استکبار و جاودانه‌ترین رویداد تاریخ بشریت علیه ظلم ستیزی، قیام عاشورا است که نه تنها مسلمانان بلکه تمامی مردم جهان از ادیان و مذاهب مختلف را تحت تأثیر خود قرار داده است. حضرت زینب کبری (س) از جمله قهرمانان این واقعه است که در دفاع از آزادی و آزادگی و مقابله با ظلم و ستم سخن گفته و با خطبه‌های کوبنده خود در رسوا کردن خاندان اموی و بیان مظلومیت آل علی (ع) در جاودانه شدن و ماندگاری آن نقش بسزایی داشته است. حضرت زینب (س) در مکتب پدر و مادرش حضرت علی (ع) و فاطمه زهرا (س) پرورش یافت؛ «ایشان مفهوم کامل شیعه بودن را می‌دانست؛ از این رو در تمام عمر گران‌بهای خویش با احساس مسئولیت به معنای عمیق کلمه، لحظه‌ای از انجام وظیفه بزرگی که بر عهده داشت، کوتاهی نکرد و با دل‌وجان به یاری چهار امام زمان خود برخاست و حتی از دواج او با عبدالله بن جعفر و دیگر موانع و محدودیت‌های زمانه، نتوانست عزم و اراده راسخ و آهنین او را در این راه سست کند» (شرفشاهی، ۱۳۹۲: ۸۹).

در سال ۶۱ هجری به همراه امام حسین (ع) در واقعه عاشورا حضور داشت و تمام سختی‌ها و مصیبت‌ها را به چشم خود دید و بعد از این حادثه، حقایق تلخ عاشورا را در خطبه‌ها و سخنرانی‌های خودش به گوش مردم رسانید. «سخنان حضرت زینب علیه السلام مانند صیحه آسمانی، محیط کوفه را فرا گرفت. ایشان فاجعه کربلا را، که با دست همان مردم بی‌فضیلت انجام یافته بود، بی‌پرده بیان داشت و آنان را سخت نکوهش کرد تا این‌که زیاد نتواند حقایق تلخ عاشورا و ماهیت قیام حسین علیه السلام را منحرف سازد» (فاضلی، ۱۳۸۶: ۸۷، نقل از آذربار، ۱۳۹۶).

«گفتار زینب آن‌چنان اثر عمیقی در کوفه به‌جای گذارد که بالاخره توانست با دست همان مردم از کارگردانان و شرکت‌کنندگان در حادثه خونین طف به بدترین صورت انتقام بگیرد، آن‌ها گویا خفته بودند و زینب آنان را بیدار ساخت و با روشن ساختن عظمت و بزرگی جنایتی که با دست آن‌ها انجام شد و تحقیر و توییح شدیدی که آن بانو نسبت به آن مردم نمود، خشم و غضب آن شهر را علیه عیبدالله زیاد و یاران او سخت به هیجان آورد، هیجانی که دیگر آرام نشد تا هنگامی که همان مردم تحت لوای مختار گردآمده و به خاطر خون‌خواهی حسین با شعار «یا لثارات الحسین» دست به شورش مقدس و انسانی زدند، شورش که موج سهمگین و مرگ‌بار آن فرزند زیاد و همه‌ی شرکت‌کنندگان در جنایت کربلا را فراگرفت و آن‌ها را به دردناک‌ترین وجه به دست انتقام سپرد» (هاشمی نژاد، بی‌تا: ۳۱۶-۳۱۵).

ایشان به سبب نقش تعیین‌کننده در عاشورا و حوادث مابعد آن از جمله ایراد خطبه‌های آتشین و پاسداری از نهضت عاشورا همواره مورد تحسین قرار گرفته است. نقش حضرت زینب (س) آن‌چنان مهم است که هر جا از امام حسین (ع) و حادثه کربلاء سخن به میان می‌آید بی‌شک نام ایشان نیز در آنجا ذکر می‌شود. شخصیت ایشان بازتاب ویژه‌ای در شعر شاعران مسیحی داشته است به گونه‌ای که شاعران زیادی در اشعار خویش از بانوی قهرمان کربلاء سخن به میان آورده‌اند. با توجه به تعداد زیاد شاعران مسیحی فعال در زمینه شعر عاشورایی و به دلیل پرهیز از حجم زیاد مقاله، در این پژوهش به بررسی و تحلیل نقش نمادین و راهبردی حضرت زینب (س)، و تصویر ایشان به عنوان بانوی مبارز شیعی و به عنوان یکی از قهرمانان اصلی آن واقعه عظیم در شعر شاعران مذکور می‌پردازیم.

همچنین تاکنون پژوهشی خاص با عنوان «نقش راهبردی بانوی مبارز شیعی در اشعار شاعران مسیحی»،

صورت نگرفته است اما درباره حضرت زینب (س) آثاری در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله نوشته شده است که به چند مورد اشاره می‌کنیم: «سیمای حضرت زینب (س) در آیینۀ برخی منابع انگلیسی» اثر فخر روحانی (۱۳۸۸)، نقل از آذربار، (۱۳۹۶)، که نویسنده به نقد دو مقاله درباره حضرت زینب (س) می‌پردازد تا نشان دهد که مظلومیت اهل‌بیت هم چنان ادامه دارد و فرنگیان، حقیقت را آن‌گونه که بود، جلوه نمی‌دهند. پایان‌نامه‌ای با عنوان بررسی تطبیقی سیمای فردی و اجتماعی حضرت زینب در شعر معاصر فارسی و عربی از حیدری (۱۳۹۴)، نقل از آذربار، (۱۳۹۶)، که نویسنده در این پژوهش به بررسی وجوه تمایز و تشابه آن حضرت در شعر شاعران معاصر عربی و فارسی می‌پردازد.

بی‌شک مطالعه و پژوهش درباره حضرت زینب (س) و حوادث مربوط به ایشان از جمله حادثۀ عاشورا تضمین‌کننده حیات اسلامی و تداوم مکتب اهل بیت (ع) و گامی مهم در جهت معرفی اسلام ناب محمدی است. در این پژوهش تلاش می‌شود تا ضمن تبیین جایگاه و سیمای حضرت زینب (س) در بین شاعران مسیحی معاصر و بیان نقش ویژه ایشان در پیشبرد اسلام از زبان دیگران، زمینه را برای شناخت هر چه بهتر شاعران مسیحی، که در زمینۀ شعر عاشورایی فعالیت دارند؛ فراهم شود.

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری: شیوه نگارش پژوهش حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی است. در بخش توصیفی اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و منابع استنادی جمع‌آوری شده است. در بخش تحلیلی نیز به صورت کیفی و پس از مطالعه اشعار و تحلیل آن‌ها بر اساس منابع مرتبط با موضوع پژوهش صورت گرفته است.

روش اجرا

از آنجا که این پژوهش به بررسی نقش و جایگاه حضرت زینب (س) در دیوان برخی شاعران مسیحی می‌پردازد، بنابراین باید از منابع کتابخانه‌ای که به این حیطه پرداخته شده استفاده شود؛ پس اساس کار در این پژوهش، گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و مراجعه به آثار مکتوب و فیش برداری است، و سپس با تکیه بر منابع، دیوان شاعران مذکور مورد تحلیل محتوایی قرار می‌گیرند.

یافته‌ها

حضرت زینب (س) نماد شجاعت، استقامت و پایداری و صبر و شکیبایی است. مطهری در کتاب حماسه حسینی می‌نویسد: «امام حسین (ع) در طول نهضت حماسی خود، خاندان و همراهان خود را چنان با استقامت و پایداری آشنا نمود که هر یک از آن‌ها جلوه‌ای از استقامت حسینی شدند. در این میان حضرت زینب (س) چنان درس آموخت که استقامت و پایداری او پس از عاشورا، در دوران اسارت و رویارویی با یزید، درخشان‌ترین صحنه‌های استقامت و پایداری بشری است. در حماسه حسینی، آن کسی که بیش از همه این درس را آموخت و بیش از همه این پرتو حسینی بر روح مقدس او تابید، خواهر بزرگوارش زینب (س) بود» (مطهری، ۱۳۸۰: ۴۵). این استقامت و ظلم‌ستیزی سبب شده است تا نویسندگان و شاعران بسیاری به مدح و ستایش ایشان بپردازند. مهم‌ترین مضامین مشترک شعری شاعران به شرح زیر است:

حضرت زینب (س) در شب عاشورا

ابوالفرج (۱۲۸۴ هـ) در «مقاتل» از ابو مخنف از حرث بن کعب از امام زین العابدین (ع) چنین روایت کرده است: «شب عاشورا نزد پدرم بودم، او تیرهای خود را اصلاح می کرد و این اشعار را می خواند. من به این اشعار گوش می دادم و از گریه جلوگیری کردم، ولی عمه ام زینب علیها السلام چون این اشعار را شنید، گریه کرد و پیراهن خود درید و به صورت سیلی زد، با سر برهنه از خیمه بیرون رفت و فریاد زد: کاش مرگ من فرارسیده بود، از زندگانی سیر شدم، یا حسیناه! یا سیداه! یا بقیه اهل بیتاه! امروز جد و مادر و پدر و مادرم و برادرم حسن از دنیا رفتند، ای باقیمانده ای گذشتگان!» (نقل از صفائی حائری، ۱۹۱۳: ۴۱۹). «سلامه»^۱ (۱۹۴۹)، نیز بر اساس همین روایات و وقایع تاریخی، این مضمون را در اشعار خود به شکل زیر گنجانده است:

شَقَّتِ الْجَيْبَ زَيْنَبُ وَ تَلَّتْهَا طَاهِرَاتُ فَمَا تَرَكَنَ إِزَارًا
لَاطِمَاتٍ خُدُودَهُنَّ حَزَانِي نَائِرِيَاتٍ شُعُورَهُنَّ دِئَارًا
(سلامه، ۱۹۴۹: ۲۶۳)

(ترجمه: زینب گریبان درید و زنان پاک بنی هاشم در پی وی، در این عزای بزرگ تمام جامه ها را از تن دریدند. از شدت غم و اندوه به صورت خود سیلی می زدند و موهای خود را بر روپوش خود پریشان کردند.) بنابراین، شاعر به شدت عزاداری زنان اهل بیت (ع) در آن شب، آنگونه که در بین زنان عرب معمول و رایج است، پرداخته است.

عبدالرزاق مرقم (۱۳۱۶)، در مقتل خود به نقل از شیخ مفید می آورد: «امام حسین علیه السلام او را امر به صبر فرمود ... سپس فرمود: ای خواهرم ای ام کلثوم! ای فاطمه! ای رباب! هنگامی که من کشته شدم، گریبان پاره نکنید، و به صورت خود را لطمه نزنید و کلام غیر شایسته ای به زبان نیاورید» (مرقم، ۱۳۱۶)، ترجمه مخدومی، ۱۳۸۷: ۱۳۵-۱۳۴). بولس سلامه (۱۹۴۹)، با بیانی بسیار زیبا این رخداد را به تصویر کشیده است و به این مسئله اشاره دارد که امام حسین (ع) با شجاعت و با ایمان راسخ خود، زنان خیمه را به آرامش و دوری از جزع و فزع فرا خوانده است:

فَدَعَاهُنَّ لِأَضْطَبَارِ حُسَيْنٍ فَكَانَ الْمِيَاهُ تُطْفِئِيءُ نَارًا
قَالَ: إِنَّ مَتَّ فَالْعَزَاءُ لِكِنَّ اللَّهُ يُعْطِي مِنْ جُودِهِ أَمْطَارًا
يَلْبَسُ الْعَاقِلُ الْحَكِيمُ لِبَاسَ الصَّبْرِ إِنَّ كَانَتْ الْخُطُوبُ كِبَارًا
إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا سَحَابَةٌ صَيْفٍ وَمَتَّى كَانَتْ الْعُيُومُ قَرَارًا؟!
(سلامه، ۱۹۴۹: ۲۶۴-۲۶۳)

(ترجمه: پس امام حسین (ع) زنان را به صبر و شکیبایی دعوت نمود؛ گویی این کار آبی بود که آتش را خاموش می کند. ایشان فرمودند: اگر شهید شدم پس شما عزادار من خواهید شد ولی پروردگار از بخشش خود به شما بارانی عطا خواهد کرد (صبر جزیل را عنایت فرماید). (بدانید) انسان عاقل و حکیم لباس صبر به تن می کند اگر سختی ها و گرفتاری ها بزرگ باشند. همانا این دنیا همانند ابر تابستانی است و چه وقت ابرها آرام و قرار داشته و ثابت مانده اند؟! در ابیات مذکور، حضرت زینب (س) مظهر و نماد عشق راستین به برادر و اعضای خانواده می باشد که مطیع دستورات امام خود است.

۱. Salame

واکنش حضرت زینب (س) به آخرین لحظات شهادت برادر

بعد از آنکه امام حسین (ع) شجاعانه در برابر لشکر کفر مبارزه کرد، به سبب ضربه‌ها و زخم‌هایی که دشمنان به او زدند آخرین لحظات عمر خود را سپری می‌کرد. «لحظات دشواری بود. زینب (س) برادر را در آستانه شهادت می‌دید. محبت و صف‌ناشدنی به سید الشهداء (ع) و دفاع از مقام امامت، زینب (س) را به میدان آورد در حالی که می‌گفت: «کاش آسمان خراب می‌شد و بر زمین می‌افتاد». ناگهان نهیب زینب برخاست و خطاب به عمر سعد فرمود: وای بر تو، ای عمر! آیا ابا عبدالله را می‌کشند و تو نگاه می‌کنی؟ زینب آن چنان با هیجان ندا داد که عمر سعد را گریاند، به گونه‌ای که رویش را از زینب برگرداند و پاسخش را نداد. زینب (س) بار دیگر بانگ زد: «وَيَحْكُم، أَمَا فَيْكُمْ مُسْلِمٌ؟ وای بر شما! آیا مسلمانی میان شما نیست؟!» هیچ کس، پاسخی به او نداد. «غلامعلی، ۱۳۹۱: ۱۲۹». «جوزف الهاشم» (به نقل از سلامه و عقل، ۲۰۱۷)، تأثیر صدای رسای حضرت زینب (س) را در دفاع از برادرش به تأثیر ریتم موسیقایی بر گوش‌ها تشبیه کرده است و چنین می‌گوید:

وَمَا كَلَّلَتْ وَجَيْشُ الشَّرِّ مِنْهُمْ زَمٌ
وَجَيْنٌ أُخِثَتْ مِنْ سَيْلِ الْجِرَاحِ دَوْتٌ
فَقُلْتُ يَا شِرْكَ هَذَا الرُّوحُ فَأَنْهَزِمُ
صَيْحَاتُ زَيْنَبَ كَالْإِيْقَاعِ فِي الصَّمَمِ
(سلامه و عقل، ۲۰۱۷: ۳۶۳)

(ترجمه: برادر جان! تو در این پیکار) خسته و ملول و ضعیف نگشتی بلکه سپاه کفر و ناراستی شکست خورد. تو به سپاه مشرکان گفتی: این جانم را هم در راه خدا قربانی می‌کنم پس شکست خوردند. آنگاه که سیل غم‌ها سراسر جسمت را در بر گرفت، فریادهای رسای زینب، چونان موسیقی شورانگیز و تأثیر گذار بود. شاعر در این ابیات به روحیه شکست‌ناپذیر و حماسی حضرت زینب (س) اشاره کرده است که در آن شرایط سخت لشکر کفر را شکست خورده می‌داند و در دفاع از دین و آیین جدش لب به سخن می‌گشاید. در حقیقت حضرت زینب (س) در این اشعار نمادی از مقاومت و استقامت راستین محسوب می‌شود.

وضعیت زینب (س) هنگام مشاهده سر برادر بر نیزه‌ها

«بعد از ظهر روز یازدهم عمر بن سعد ملعون با لشکر کفر آئین کوفه و شام از کربلا بیرون رفت. هنگامی که به نزدیکی شهر رسید خبر به ابن زیاد داد که اینک لشکر کوفه و شام با فتح و پیروزی از کربلاء برگشته است. وقتی پیغام پسر سعد پلید به پسر زیاد خبیث رسید، از این خبر بسی شادمان شد و «خولی بن یزید اصبحی» را خواست و به او فرمان داد که سر مطهر امام (ع) را به استقبال اسراء به نزد ابن سعد ببرد تا وی سر منور را بر نیزه بلندی زده و در جلو سرها مقابل دیدگان اسیران وارد شهر نمایند. هنگامی که دیدگان حضرت زینب (س) بر سر بریده برادر افتاد به حالتی شد که زبان یارای گفتن آن را نداشته و قلم از ترقیم آن حال عاجز می‌باشد فقط همین مقدار گفته‌اند که آن بانو خیره‌خیره به سر برادر نظر کرد و دید مردم مثل هلال شب اول ماه انگشت‌نما می‌کنند. آن مخدره از سوز دل فرمود: أُخِيَّ يَا هَلَالًا غَابَ بَعْدَ طُلُوعِهِ / فَمِنْ فَقْدِهِ أَضْحَى نَهَارِي كَلَيْتِي، ای هلال من که در روز عاشورا غروب کردی و از پیش چشم پنهان شدی از وقتی که رفتی روز من به شب تاریک مبدل شده است (با تلخیص، ذهنی تهرانی، ۱۳۷۹: ۸۰۹-۸۰۸). «ریمون قسیس» (۲۰۱۱)، شاعر بزرگ لبنانی در ملحمه مشهور خود، این واقعه را چنین آورده است:

«زَيْنَبُ» أَنْتِ أُمَّتُهُ خَيْرُ أُمَّتٍ
عِنْدَمَا شَاهَدْتَهُ رَأْسَ «حُسَيْنٍ»
«يَا هَلَالًا لِمَا اسْتَتَمَّ كَمَالًا»
«مَا تَوَهَّمْتُ يَا شَقِيقَ فُؤَادِي»
«وَا حُسَيْنَاهُ!» أَبْكَتِ الْجَمْعُ طُرًّا
لَطَمْتُ وَجْهَهَا وَصَاحَتْ: لَتَعْسَى؟
أَنْشَدَتْ شَعْرَهَا تُشِيرُ بِخَمْسِ
أَنْهَتْ الْحَرْبُ نَاجِدَاتِهَا بَضْرَسِ
كَانَ هَذَا مَا حَقَّقَ الْيَوْمَ أَمْسَى
وَ«عَلِيٌّ» زَهَا بِأَمْجَادِ قَنَسِ
(قسیس، ۲۰۱۱: ۳۷)

(ترجمه: ای زینب! تو خواهر امام حسین (ع) هستی؛ بهترین خواهر که (با شهادت تو) بر سرو صورت خود سیلی زد و فریاد کشید: ای وای بدبخت و بیچاره شدم. هنگامی که سر حسین (ع) را مشاهده کرد، شعر خود را سرود؛ درحالی که با همه انگشتانش به او اشاره می کرد. ای هلال ماهی که هنوز کامل نشده و جنگ با دندان هایش او را گزید و به زندگی اش پایان داد. ای پاره جگرم! گمان نمی کردم این پیشامد امروز پیشگویی سابق (پیامبر) را محقق سازد. زینب (س) با نوای واحسینا! همه را گریاند و کاری کرد که همه فضائل درخشان علی (ع) در آن مجلس به نمایش در آمد.)

همان گونه که از ابیات برمی آید، حضرت زینب (س) هنگام دیدن سر برادر بر روی نیزه ها، قدرت و استقامت خود را حفظ کرده و با بیانی رسا زبان به مدح و ثنای اهل بیت (ع) رسول خدا (ص) گشوده است تا از این طریق، سپاه شرک را که گویی نمی دانند حسین (ع) فرزند پیامبر است، ملامت نماید.

روشن گری های حضرت زینب (س) در مجلس عیدالله

«هنگامی که سر حسین (ع) را به همراه خاندانش نزد عیدالله بردند، حضرت زینب (س) بی ارزش ترین لباس ها را به تن داشت. عیدالله برای تحقیر ایشان، خود را به ناشناسی زد و پرسید: این زن کیست؟ پرسش او چندین بار تکرار شد، اما بانوی بانوان او را بی پاسخ نهاد و با وی سخن نگفت. بار سوم بود که بانویی گفت: او، زینب، دخت سرفراز و آزاده ی علی (ع) است. «عید» روی سخن را به بانوی بانوان کرد و ناجوانمردانه به سرزنش او پرداخت و چنین گفت: خدا را ستایش می کنم که شما را رسوا ساخت و همگی مردان شورشگر و نافرمانان را که در اندیشه ی مخالفت با امیر مؤمنان، یزید، بودند کشت! و دروغتان را نمایان ساخت! کاروان سالار کاروان اسیران آزادی بخش پیا خاست و با درایت و شهامتی وصف ناپذیر در پاسخ فریبکاری و دجال گری «عید» فرمود: ستایش از آن خدایی است که ما را به وسیله پیامبر برگزیده اش، گرامی داشت و از ضد ارزش ها و گناهان و ناپسندی ها پاک و پاکیزه ساخت! عید! تنها انسان نماهای فاسق و خودکامه و پلیدکارند که رسوا می گردند و عناصر بدانندیش و بدکردارند که دروغ می بافند» (حلی، ترجمه کرمی، ۱۳۸۰: ۳۰۵-۳۰۴). بولس سلامه (۱۹۴۹)، با بیانی رسا و شیوا به مسأله سخنرانی شجاعانه دختر علی (ع) در مجلس عیدالله پرداخته و ظلم ستیزی این بانوی بزرگوار را در مقابل گردنکشان تاریخ با بیانی هنری ستوده است:

وَرَأَى زَيْنَبًا، عَلَيْهِمِنَ الْأَسْمَالِ
فَأَرَادَ امْتِهَانَهَا بِشُمَاتِ
فَأَجَابَتْ بِحِكْمَةٍ وَإِبَاءِ
يَفْضُحِ الْجَوْهَرِ الْقَدِيمِ هَجِينًا
ذَاكَ أَنَّ الْعَرِيقِيَّتِي عَرِيقًا
رُبُّ قَصْدِي بَرَةً تَغْشَى وَتُغْرِي
لَا يَكُونُ الطَّوْدُ الْعَتَى حَصِييًّا
وَالْبُسُوسُ مَا يَسُرُّ الْأَعَادِي
بَعْضُ إِيْلَامِهِ سِنَانُ الصَّعَادِ
هَاجَ فِيهِ شَرَارَةُ الْإِيْقَادِ
مُحَدِّثِ الْجَاهِ زَائِلِ الْأَجْدَادِ
لَا يَضِيرُ الْهُزَالَ أُصْلَ الْجَوَادِ
حِينَمَا التَّبْرُ ذَائِبٌ فِي الرَّمَادِ
وَإِنَّمَا الْخَصْبُ فِي وَدْيَعِ الْوَهَادِ
(سلامه: ۱۹۴۹: ۲۹۹)

(ترجمه: و حضرت زینب (س) را دید که لباس های کهنه و فقیرانه ای پوشیده بود که دشمنان را شاد می کرد. پس خواست که با خوشحالی کردن در مصیبت و بلای او و نمک بر زخم پاشیدنش، او را تحقیر نماید. اما آن حضرت با سخنانی حکیمانه و با سرافرازی پاسخ داد که از آن، جرقه های آتش برافروخته می شد. گوهر اصل و ناب، شخص دو رنگه بی اصالت و تازه به دوران رسیده که آباء و اجدادی دروغین دارد را رسوا می سازد. این بدان خاطر است که شخص با اصل و نسب، با اصالت می ماند و لاغری و کمی گوشت و پیه به اصالت اسب اصیل ضرری نمی رساند. چه بسا عنصر قلع فریب کاری و اغواگری می کند آنگاه که طلای ناب در خاکستر ذوب شده باشد. کوه سربلند و سر به فلک کشیده حاصلخیز نخواهند بود بلکه حاصلخیزی و سرسبزی، در زمین های آرام و ساکن (صاف) است.). دختر علی (ع) در آیات فوق، نمادی از ظلم ستیزی و استکبار ستیزی به شمار می آید که در آن شرایط سخت نیز دست از مبارزه با کردنگشان و دفاع از حقیقت بر نداشت.

بعد از آنکه عیدالله در برابر سخنان روشنگرانه حضرت زینب (س) شکست خورد، به مجادله با امام سجاد (ع) پرداخت ولی آن امام همام، شجاعانه و با سخنان کوبنده پاسخش را داد. «ابو عبیده گفت: تو هنوز هم این اندازه جرأت و جسارت داری که در تالار کاخ من، هر چه گویم پاسخ مرا می دهی و از برنامه و راه و رسم پدرت دفاع می کنی؟ و آنگاه نعره برآورد که: او را ببرید و گردنش را بزنید! آن حضرت فرمود: هان ای پسر مرجانه! آیا مرا از بستن و کشتن می ترسانی؟ مگر نمی دانی که شهادت در راه حق، شیوهی دلیرانهی ماست و جان را در راه خدا تقدیم داشتن مایهی سرافرازی و کرامت ما! ما را از چه می ترسانی؟ اینجا بود که عمه ی قهرمانش، زینب از جا برخاست و دست در گردن یادگار برادر انداخت و رو به «عبیده» گفت: هان ای پسر مرجانه! آیا این همه خونی که از ما خاندان پیامبر بر ریگ های تفتیده ی نینوا ریخته ای تو را بس نیست و باز هم در پی شرارت و خونریزی هستی؟! نه! به خدای سوگند او را رها نخواهم ساخت؛ اگر می خواهی او را بکشی، باید مرا هم به همراه او بکشی؟ (حلی، ترجمه کرمی، ۱۳۸۰: ۳۰۸). شجاعت و دلاوری های زینب (س) در دفاع از حفظ جان امام سجاد (ع) این گونه در شعر بولس سلامه (۱۹۴۹) تجلی پیدا می کند:

وَرَأَى فَضْلَهُ الْمُنُونُ (عَلِيًّا)
هَالَهُ أَنْ يَرَى مِنَ الْبَازِ فَرَحًا
بَشَرُوهُ بِحَصْدِ أَهْلِ حُسَيْنٍ
أَقْتُلُوهُ قَالَ الْوَلِيُّ فَهَبَّتْ
صَرَخَتْ كَاللَّبْوَةِ السَّمْحَةِ التَزَارِ
أَقْتُلُونِي قَبْلَ الْغَلَامِ وَهَذَا الصَّدْرُ
أَقْتُلُو بِنْتَ فَاطِمَ، فَدَمُ الزَّهْرَاءِ
زَيْنَبُ الْعُرْبُ مَا أَعَزَّ الْمُفْدَى
لَيْسَ التَّغْلِبُ غَيْرُ شِبْلِ عَلِيٍّ فِي
فَإِذَا مَاتَ أَقْفَرَ الْخَدْرُ مَنْ لَيْسَتْ
مَنْ رَأَى زَيْنَبًا تَضُمُّ عَلِيًّا
شَهِدَ الرُّوحُ كَيْفَ تَحْضَنُ جِسْمًا

(سلامه، ۱۹۴۹: ۳۰۰-۲۹۹)

(ترجمه: روزگار فضل و بخشش او را دیده است درحالی که از بیماری و بی‌خوابی به خود می‌بیچد. عیدالله از اینکه از آن باز شکاری (امام حسین) جوجه بازی (علی بن حسین) را ببیند که در دام صیاد گرفتار نشده است، بسیار ترسید. او را به قتل عام اهل بیت حسین (ع) بشارت دادند، عجیب است مگر روز قیامت بود؟! فرمانروای مشرکان گفت: علی بن حسین را بکشید، پس حضرت زینب (س) همانند شیری شکاری، آتش گرفته و برافروخت. حضرت زینب (س) همانند شیری غران و زخمی که زخم‌هایش پانسیمان نشده بود، فریاد برآورد. قبل از این نوجوان، مرا بکشید و این سینه بسیار بخشنده است پس قلب مرا باز کنید. دختر فاطمه را بکشید، پس خون زهرا (س) بر روی شمشیرهای برنده ارزشمند است. ای زینب عرب! چقدر عزیز است آن کسی که قربانی‌اش شدی و چقدر بزرگوار است فدیة دهنده. در جنگل جز شیری رنجور و دردمند نیست که کینه کینه‌توزان او را خون‌آلود کرده است. پس اگر او بمیرد، بیشه از شیر خالی خواهد شد و نسل شیران از بین می‌رود. چه کسی زینب را دید درحالی که علی را در آغوش گرفته بود و دلش در آتش و اضطراب بود؟ روح شاهد آن بود که چگونه جسمی را که دست بلا و فساد آن را تهدید می‌کرد، در آغوش می‌کشد.)

بنابراین شاعر مسیحی به نقش راهبردی این بانوی بزرگ اسلام در حفظ جان جانشین امام سوم شیعیان پرداخته و با استفاده از آرایه‌های تشبیه، استعاره و کنایه به شکلی بسیار زیبا، این مسئله را در اشعار خود به تصویر کشیده است. وی حضرت را بانویی شجاع و سخنوری فصیح معرفی کرده که جان خود را فدیة امام سجاد (ع) قرار داد و از این طریق نقش مهمی در حفظ دین اسلام و ادامه راه امامت ایفا کرده است.

ظلم ستیزی و شجاعت زینب (س) در مجلس یزید

«هنگامی که چشمش به سر بریده‌ی برادر افتاد، دست برد و گریبان پاره کرد. در این شرایط غمبار بود

که یزید چوب خیزرانی خواست و با آن به دندان‌های مقدس حسین (ع) نواختن را آغاز کرد. بعد از آنکه یزید با بدمستی‌ها، یاهو سرایی‌ها، گستاخی‌ها و خواندن اشعار شرک‌آلود و آکنده‌ی از کینه و عقده‌ی حقارت، دین و آیین دروغین و راه و رسم ارتجاعی خود را نشان داد، دخت فرزانه‌ی امیرمؤمنان بپاخواست و با دنیایی از درایت و شهامت لب به سخن گشود» (حلی، ترجمه کرمی، ۱۳۸۰: ۳۳۲-۳۲۹). «جورج شکور» (به نقل از سلامه و عقل، ۲۰۱۷)، به سخنوری حضرت زینب (س) و خطبه خوانی ایشان در دفاع از خاندان پیامبر (ص) در مجلس یزید اشاره کرده است و با بیان هنری خود اشاره کرده است که تأثیر کلام این بانوی بزرگوار در دفاع از دین و آیین محمد (ص) و مبارزه با سپاه کفر و باطل، بیشتر از تأثیر شمشیرها و نیزه‌ها و تیرهایی است که در این راه به کار گرفته شده‌اند:

غَبْنَ الْبُطُولَةَ، آه، زَيْنَبُ هَتَفَتْ تَرَمَى الْكَلَامَ كَمَا تَصْطَكُ أَشْفَارُ
أَوْ كَالرِّمَاحِ وَقَدْ حُرَّتْ بِهَا حُمَمٌ أَوْ كَالسَّهَامِ إِذَا مَا شُدَّ أَوْتَارُ
تَزُنُّو لِرَأْسِ أَخِيهَا، الطَّرْفُ مُنْكَسِرٌ إِلَيَّ «يَزِيدُ» بِهَا لِلطَّرْفِ أَظْفَارُ
وَأَلْهَى، وَ تَهْتَفُ مَا لِلْبُطْلِ مَجْتَرًا قَوَّلتِ، بَطْلٌ، وَمَا أَقْسَاكَ، أَقْدَارُ

(سلامه و عقل، ۲۰۱۷: ۳۴۱)

(ترجمه: آه و افسوس، قهرمانی مورد ستم واقع شد، زینب با این جملات چنان با فریاد تیر سخن پرتاب می‌کرد گویی لبه تیز شمشیرها به هم می‌خورد. (برش کلامش بدان گونه بود) که گویی نیزه‌های آتشین بودند که از سوز درونش بیرون می‌آمد یا تیرهایی بودند که با شدت و با قدرت پرتاب می‌گشت. خیره به سر برادر می‌نگریست در حالی که نگاهی (غضبناک) به یزید داشت و گویی با نگاهش بر او خنجر می‌زد. واله و حیران با اندوه فریاد بر می‌آورد: چگونه باطل چنین جرأتی کرده است؟ ای باطل الهی ریشه کن گردی و ای روزگار چقدر سنگدلی!).

عقیله بنی‌هاشم در قسمتی از خطبه خود می‌گوید: «هان ای یزید! اگر چه رویدادهای ناگوار و پیشامدهای سهمگین روزگار مرا بر آن داشته است تا با چون تویی بی‌مقدار که از بد روزگار و آفت‌زدگی مزرعه جامعه، زمام امور را به کف داری، روبه‌رو کردم و سخن گویم، اما من ارزش و بهای تو را سخت ناچیز می‌دانم و نکوهشت را به خاطر جنایت‌ها و دد منشی‌هایت بس بزرگ و تو را بسیار سرزنش می‌کنیم» (حلی، ترجمه کرمی، ۱۳۸۰: ۳۳۷). جورج شکور (به نقل از سلامه و عقل، ۲۰۱۷)، این بخش از خطبه

حضرت زینب (س) را در تحقیر و مذمت یزید و ناچیز بودن او، چنین به تصویر کشیده است:

مَهْلًا يَزِيدُ وَلَا تَعْرُكَ مَنْزِلَةٌ كُلُّ الطَّغَاةِ، إِذَا عُوَا، لِأَصْفَارُ
إِلَى خَطَابِكَ قَدْ أَلْجَيْتُ مُرْغَمَةً صَغَارُ قَدْرِكَ لَمْ يُكْبِرْهُ إِنْكَارُ
أَسْتَعْظِمُ الْأَمْرَانَ أَتَى مُقْرَعَةً قَدْرُ مَتْمِ مَغْنَمًا، مَنْ مَغْرَمًا صَارُوا

(سلامه و عقل، ۲۰۱۷: ۳۴۱)

(ترجمه: صبر کن ای یزید، جایگاه (دروغینت) تو را فریب ندهد. تمامی مستکبران ستمگر اگر با هم در نظر گرفته شوند، جز صفرها نخواهند بود (هیچ و پوچ‌اند). من از روی اجبار به سخن گفتن با تو روی

آورده‌ام. (بدان) که انکار کردن بی ارزشی و حقارت، چیزی از اصل تو عوض نمی‌کند، برایم بسیار گران می‌آید که حتی تو را دشنام گویم. تو خواستی در پیکار بر کسانی چیره شوی که امروز آنان بر تو چیره‌اند. جورج شکور (به نقل از سلامه و عقل، ۲۰۱۷)، در ابیات ذکر شده، حضرت را نمادی از عزت و سرافرازی و مبارزه طلبی معرفی کرده است که به ستیز با دشمن جاهل برخاسته است.

بانوی صبر و استقامت در ادامه خطبه می‌فرماید: «فَكَذَّبَ كَيْدَكَ وَ أَسَعَ سَعِيكَ وَ نَاصِبَ جُهْدَكَ فَوَاللَّهِ لَا تَمُحُو ذِكْرَنَا وَ لَا تُمِيتُ وَحْيَنَا وَ لَا تُدْرِكُ أَمَدَنَا وَ لَا تَرَحُّصُ عَنَّا عَارَهَا وَ هَلْ رَأَيْتَ إِلَّا فَنَدَ وَ أَيَّامَكَ إِلَّا عَدَدًا وَ جَمْعَكَ إِلَّا بَدَدًا يَوْمَ يُنَادِي الْمُنَادِي أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ فَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الَّذِي خَتَمَ لَأَوْلَانَا بِالسَّعَادَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ وَ لآخِرِنَا بِالشَّهَادَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ نَسَأَلُ اللَّهَ أَنْ يُكْمِلَ لَهُمُ الثَّوَابَ وَ يُوجِبَ لَهُمُ الْمَزِيدَ وَ يُحْسِنَ عَلَيْنَا الْخِلَافَةَ إِنَّهُ رَحِيمٌ وَ دُودٌ وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نَعْمَ الْوَكِيلُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۵). ترجمه: (هر کید و مکر، و هر سعی و تلاش که داری به کار بند، سوگند به خدای که هرگز نمی‌توانی، یاد و نام ما را محو و وحی ما را بمیرانی، چه دوران ما را درک نکرده، این عار و ننگ از تو زدوده نگردد. آیا جز این است که رأی تو سست است و باطل، و روزگارت محدود و اندک، و جمعیت تو پراکنده گردد، آری، آن روز که ندا رسد: أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ. پس حمد مر خدای راست که برای اول ما سعادت و مغفرت، و برای آخر ما شهادت و رحمت مقرر فرمود. از خدا مسئلت می‌کنیم ثواب آنان را تکمیل فرموده و موجبات فزونی آن را فراهم آورد، و خلافت را بر ما نیکو گرداند، چه او رحیم و ودود است، خدای ما را بس است چه نیکو و کیلی است.) جورج شکور (به نقل از سلامه و عقل، ۲۰۱۷)، این بخش از سخنان زینب (س) را با بیانی شیوا این گونه به تصویر کشیده است:

تَكِيدُ كَيْدَكَ تَسْعَى السَّعَى مُزْدَهَبِيًّا	وَ حَوْلَ عُنُقِكَ كَالْحَيَاتِ أَوْزَارُ
تَشْرِي الضَّمَائِرَ لَكِنَّ ظِلَّ مُذَكَّرًا	لَا تَنْسَهَا مَا لِأَهْلِ الْبَيْتِ أَسْعَارُ
لَا لَنْ تَمِيتَ لَنَا وَحْيًا وَ لَا نَسَبًا	بَاقِي لَنَا فِي قُلُوبِ الْحُبِّ تَذْكَارُ
نَهَزَ عَرْشَكَ فِي الْعَالِي نَزْلُهُ	لَنَا النِّعْمُ، لَكَ الْوَيْلَاتُ وَ النَّارُ

(سلامه و عقل، ۲۰۱۷: ۳۴۱)

(ترجمه: حيله‌های خویش را به کار می‌گیری و خودپسندانه پیش می‌آیی و بار سنگین گناهان چون مارها بر گردِ گردنت حلقه زده‌اند. جان‌ها و وجدان‌ها را می‌خوری و می‌ستانی، آری اما هماره به یاد داشته باش و فراموش مکن که اهل بیت نرخ ندارند. هرگز نمی‌توانی نور وحی ما را خاموش کنی و درخت خاندان ما را بخشکانی که یاد ما در دل‌های عاشقان جاودانه است. در آن روز عظیم، تخت حکمرانی ات را به لرزه درمی‌آوریم. ما را نعمت‌های بهشت است و تو را بدبختی و محنت آتش جهنم.) (زائری، ۱۳۸۹: ۱۹۰-۱۸۹). در منابع تاریخی آمده است وقتی کاروان اسیران را نزد یزید آوردند «مردی شامی به فاطمه دختر علی (ع) نگاه کرد و از یزید درخواست کرد که او را به وی ببخشد تا خدمتکار او باشد، دختر امیرالمؤمنین ترسید، به خواهرش زینب (س) چسبیده و گفت: چگونه خدمتکار باشم؟ زینب (س) فرمود: ترس، هرگز چنین نخواهد شد. یزید گفت: اگر بخواهم می‌توانم. زینب (س) فرمود: مگر اینکه از دین ما خارج شوی. مرد شامی مجدداً درخواست خود را تکرار می‌کند، یزید او را سرزنش می‌کند و می‌گوید: خداوند مرگ را به تو ببخشد (مقرم، ۱۳۱۶، ترجمه مخدومی، ۱۳۸۷: ۲۶۱-۲۶۰). بولس سلامه

(۱۹۴۹)، شاعر و ادیب مسیحی لبنانی در قصیده ارزشمند خود «حماسه غدیر» به این واقعه تاریخی اشاره می‌کند و ضمن سرزنش کردن و محکوم کردن آن، شجاعت حضرت زینب (س) و نقش بی بدیل ایشان در حمایت از خاندان نبوت و اهل بیت پیامبر (ص) را اینگونه به تصویر کشیده است:

وَرَأَى فَاطِمًا غَرِيرًا شَامِيًّا	وَكَانَتْ أُخْتُ الصَّبَاحِ الشَّارِقِ
فَرَمَاهَا بِنَظْرَةٍ دَسَّ فِيهَا	كُلَّ مَا يَضْرُمُ الْخَيَْالَ بَوَامِقِي
رَاحَ يَسْتَوْهَبُ الْفَتَاةَ فَهَبَّتْ	زَيْنَبُ هَبَّةَ السَّهَامِ الْمَوَارِقِ
مَا بَنَاتُ الرَّسُولِ يَا وَغْدُ قَالَتْ	فِي السَّبَايَا وَلَا قَرَائِنُ عَاشِقِ
فَأَحَبُّ الْأَزْوَاجِ قَبْرٌ صَفِيْقٌ	وَ أَعَزُّ الْأَصْهَارِ رَمْسٌ تَعَانِقُ
وَيَزِيدُ لَا يَسْتَطِيعُ الَّذِي تَبْغِي	فَذَاكَ الطَّعَامَ مُرًّا لِدَائِقِ
خَجَلُ الْفَاجِرِ الْخَلِيقُ يَزِيدُ	وَ الْيَثْرَبُ أَعَادَ الْغُرَانِقِ

(سلامه، ۱۹۴۹: ۳۰۹)

(ترجمه: و مرد شامی مغرور و فریفته‌ای، فاطمه دختر امام حسین (س) را دید، درحالی که چونان پنجه آفتاب پاک و نورانی بود. سپس به او نگاهی انداخت که با آن، هر آنچه خیال در عاشق فروزش می‌کند را به او فهماند. رفت که دختر را به‌عنوان هدیه درخواست کند پس حضرت زینب چون تیر دندان داری وزیدن گرفت. (آماده پرتاب شد.) او گفت: ای پست فطرت بی عقل! دختران رسول خدا کنیز شما و همتا و قرین عاشقی تو نیستند. پس بهترین همسر، قبر گستاخ است و عزیزترین دامادها، آغوش گور است. حتی یزید هم نمی‌تواند چیزی که می‌خواهی را انجام دهد، پس آن غذا برای خورنده‌اش بسیار تلخ است. یزید پلید و ستمکار در اینجا خجالت کشید و دختر زیباروی جوان را به یثرب بازگرداند.)

«میشال سلیم کعدی» (به نقل از زمیزم، ۲۰۱۲)، ایشان را با صفت پاکدامن و نجیب مورد خطاب قرار می‌دهد، وی در ضمن استعاره‌ای زیبا، حضرت زینب (س) را سخن خداوند می‌داند که در همه کتاب‌های آسمانی آمده است؛ یعنی ایشان را الگوی ظلم ستیزی و مبارزه با طاغوت می‌داند که مورد تأیید همه کتب مقدس است:

يَا زَيْنَبَ النَّبْلِ، قَوْلَ اللَّهِ أَعْرِفُهُ وَ أَعْرِفُ الْعَجَبَ وَ كَلِمَةَ الْكُتُبِ

(رشید زمیزم، ۲۰۱۲: ۱۷۵)

(ترجمه: ای زینب نجیب و پاکدامن، ای سخن خداوندی که آن را می‌شناسم، من این پدیده شگفت و واژه کتاب‌های آسمانی را می‌شناسم.)

نقش حضرت زینب (س) بعد از حادثه عاشورا در بیداری اسلامی

«زینب قهرمان با وجود سختی‌های فراوان و دردهای طاقت فرسا، صبر و شکیبایی خویش را از دست نداد و با فداکاری و ایثار در راه اشاعه دین اسلام و فرهنگ شیعی، با مردم کوچه و بازار شهرهای کوفه و دمشق سخن‌های بسیار گفت و با برافکندن نقاب از چهره امویان، تبلیغات ناروای آنان را درباره خاندان پیامبر بر باد داد و حقایق جنگ سپاه کوفه با سپاه اندک برادرش را متذکر شد» (انصاری شیرازی، ۱۳۷۶:

۸۷-۸۸). «زینب (س) صورتی هیجان آور از تبهکاری‌هایی که کوفیان درباره شهدا کردند، به آنان نشان داد و با سخنرانی‌های خود آنان را بیدار کرد» (بنت الشاطی، ترجمه شهیدی، ۱۳۷۴: ۱۳۰). ایشان در خطبه‌ها و سخنرانی‌های آتشین خویش از یک سو، دولت بنی‌امیه را رسوا و چهره واقعی آن‌ها را برملا کرد و از سویی دیگر، «با مدیریت مدبرانه‌اش پیام شهدای کربلا را به گوش همگان رسانید (انصاریان، ۱۳۸۸: ۲۳). جوزف هاشم (ر.ک، ۲۰۱۷، سلامه و عقل)، با اشاره به شیوایی و رسایی زبان حضرت زینب (س) و تشبیه ایشان به پدر بزرگوارش، این واقعه را این گونه به تصویر می‌کشد:

وَمَثَلُهُمْ رِيْشَةُ التَّارِيْخِ لَمْ تَصِمِ أَذْكُنُهُ زَيْنَبُ فِي الْهَامَاتِ وَالْهَمِمِ وَالْعَزْمِ يَنْطِقُ بِالْأَحْكَامِ وَالْحَكْمِ زَاعَتْ وَإِنْ أَلْهَبَتْ بِالْحَقِّ تَضْطَرِمِ كَالنَّارِ، إِنْ تَصَلَّدِم بِالسَّيْحِ تَلْتَمِ (سلامه و عقل، ۲۰۱۷: ۳۶۴-۳۶۳)	بَادَتْ سُلَالَتُهُمْ، غَارَتْ قُبُورُهُمْ وَجُدُوهُ الدِّينَ لَجَّتْ فِي النُّفُوسِ بِمَا أُخْتُ الرَّجُلِ امْتَطَّتْ مِعْرَاجَ وَالِدِهَا فَأَيَّقَطَتْ شِعْلَةَ الْإِيْمَانِ، إِنْ طُمِسَتْ وَهَبَّ مَنْ هَبَّ كَالْإِعْصَارِ مُنْدَفِعًا
---	--

(ترجمه: نسل آنان نابود گشت و قبرهایشان به غارت رفت و لکه‌نگنگ هیچ قومی چون اینان در طول تاریخ این چنین ثبت نشده است، و شعله روشن دین به خاطر سخنان آتشین حضرت زینب در میان مردمان، در جان‌ها جای گرفت. خواهر مردان بر مرکب معراج پدرش سوار گشت و با اراده‌ای آهنین از احکام و حکمت‌های الهی سخن گفت. شعله ایمانی را بیدار ساخت که اگر محو و پنهان می‌گشت از راه حق منحرف می‌شد و اگر با بیان حقیقت شعله‌ور می‌شد، گر می‌گرفت. پس او چونان طوفانی وزیدن گرفت و چونان آتشی به پیش رفت که اگر با باد برخورد کند فروخته تر می‌گردد.) جوزف هاشم (به نقل از سلامه و عقل، ۲۰۱۷) نیز حضرت زینب را عامل مهمی در بقاء و ماندگاری دین اسلام معرفی می‌کند. او با استفاده از آرایه ادبی تشبیه، حضرت را طوفانی می‌داند که در راه دفاع از حق هر باطلی را در هم می‌نوردد و چونان آتشی است که هنگام مواجهه با بادهای باطل و کژی، بر فروخته تر می‌گردد و همه چیز را ویران می‌سازد. «حضرت زینب (س)، در تمامی صحنه‌های دلخراش عاشورا، چون کوهی استوار مقاومت کرد تا رسالتی را که بر عهده گرفته بود، با شایستگی به سر انجام برساند» (انصاری شیرازی، ۱۳۷۶: ۷۶). «میشال سلیم کعدی» (ر.ک، ۲۰۱۲، زمیزم)، در بیان تحقق بخشیدن رسالتش می‌گوید:

وَالرَّيْنَبُ امْرَأَةٌ أَجَدَتْ رِسَالَتَهَا خَاطَبَتْ أَهْلَ الْمَدْيِ يَا زَيْنَبُ وَرَوَى وَحَطَّتْ اللَّعْنَةَ عَلَيَّ أَبِي الْجَرَبِ وَعَدُّ الْحُسَيْنِ طُبًّا أَخَاذَةَ الْأَهْبِ (رشید زمیزم، ۲۰۱۲: ۱۷۸)	وَحَطَّتْ اللَّعْنَةَ عَلَيَّ أَبِي الْجَرَبِ وَعَدُّ الْحُسَيْنِ طُبًّا أَخَاذَةَ الْأَهْبِ
--	---

(ترجمه: زینب، زنی بود که رسالت خود را تحقق بخشید و لعنت را بر ابی جرب فرود آورد. ای زینب! تیغ بدستان را صدا می‌زدی در حالی که وعده‌های (کوفیان) به حسین (ع)، به صورت شمشیرهای آماده و از نیام برآمده جلوه کرده بود.)

بحث و نتیجه گیری

احتمالاً بهترین راه شناخت شخصیت وجودی حضرت زینب (س)، واکاوی و مطالعه دقیق واقعه عاشورا و حوادث بعد از آن است. شخصیت حضرت زینب (س) بازتاب گسترده‌ای در شعر مسیحیت داشته است و برخی شاعران زوایای گوناگون زندگی این بانوی قهرمان را به تصویر کشیده‌اند. این شاعران، در اشعار خویش بیشتر از رشادت‌ها و قهرمانی‌های این بانوی دلاور در حوادث عاشورا و ما بعد آن از جمله دفاع از جان امام سجاد (ع) در مجلس یزید هم چنین نقش بارز ایشان در بر ملا ساختن چهره واقعی دشمنان اهل بیت (ع) سخن گفته‌اند. با یک بررسی کلی می‌توان به این نتیجه رسید که حضرت زینب (س) در شعر این شاعران نمادی برای مقابله با ظلم و ستم حاکمان بنی‌امیه است و سیمای این بانوی قهرمان در شعر بولس سلامه (۱۹۴۹) نسبت به سایر شاعران بازتاب بیشتری داشته است تا جایی که سلامه (۱۹۴۹) به ذکر دقیق حوادث مهم زندگی ایشان پرداخته است؛ که این موضوع خود نشان دهنده تسلط این شاعر بر تاریخ اسلام و تاریخ زندگی اهل بیت (ع) است. شاعران مذکور ضمن اینکه به اوج غم و اندوه حضرت زینب (س) و ابراز آن در شب عاشورا پرداخته و ایشان را به عنوان مظهر عشق راستین و بانوی غم خوار خانواده معرفی کرده‌اند، از طرفی به روحیه حماسی حضرت اشاره داشته و او را در این شرایط سخت اسوه‌ی مقاومت و ایستادگی در برابر سپاه کفر می‌دانند. آنان به نقش مهم حضرت زینب (س) در حفظ جان امام چهارم شیعیان نیز پرداخته‌اند و ایشان را اسوه‌ی سخنوری و فصاحت دانسته‌اند. از سویی دیگر شاعران مسیحی با فراخوانی شخصیت حضرت زینب (س) در ادبیات خود، الگویی نمونه و مثال زدنی از تاریخ مبارزه با استعمار و ظلم ستیزی را به جامعه خود معرفی کرده‌اند و ضمن ستودن این شخصیت مبارز مسلمان و نقش سازنده وی در حرکت انقلابی بردارش، مخاطبان خود را به مبارزه با ظلم و ستم و دفاع از انسانیت و تلاش برای استقرار حق و عدالت تشویق می‌کنند.

منابع

- آذربار، جبار. (۱۳۹۶). ترجمه و تحقیق کتاب *الحسین فی الشعر المسیحی* تألیف سعید رشید زمیرم. پایان نامه کارشناسی زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه.
- انصاری شیرازی، عبدالرحمان. (۱۳۷۶). *پیام زینب*. قم: نشر زمینه سازان ظهور.
- انصاریان، حسین. (۱۳۸۸). *نگاهی به مقام حضرت زینب (س)*. قم: دار العرفان.
- بنت الشاطی، عایشه. *شیر زن کربلا یا زینب دختر علی*. ترجمه جعفر شهیدی. (۱۳۷۴). تهران: نشر مشعر.
- حلی، ابن‌نما. *مثیر الأحزان (در سوگ امیر آزادی)*. ترجمه و نگارش علی کرمی، (۱۳۸۰). قم: نشر حاذق.
- ذهنی تهرانی، سید محمدجواد. (۱۳۷۹). *از مدینه تا مدینه*. تهران: نشر پیام حق.
- رشید زمیرم. سعید. (۲۰۱۲). *الحسین فی الشعر المسیحی*. الطبعة الأولى، بیروت: نشر دار الجوادین.
- زائری. محمدرضا. (۱۳۸۹). *پدر، پسر، روح‌القدس*. چاپ دوم، قم: نشر خیمه.
- سلامه. بولس. (۱۹۴۹). *عید/الغمدیر*. بیروت: الفسر.
- سلامه. بولس، عقل، سعید. (۲۰۱۷). *علی و الحسین (علیهما السلام) فی الشعر المسیحی*. الطبعة الأولى، دارالمکتبه الحوراء.
- شرفشاهی، کامران. (۱۳۹۲). *تجلی حضرت زینب در شعر عاشورایی*. مجله کتاب نقد، ۱۵ (۶۸-۶۷)،

- صفایی حائری، عباس. (۱۳۸۹). *تاریخ سید الشهداء*. تحقیق و ویرایش: واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران: نشر مسجد مقدس جمکران.
- غلامعلی. احمد. (۱۳۹۱). *روز عاشورا (گزارش مستند و تاریخی از حوادث روز عاشورا)*. چاپ اول، تهران: نشر معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه.
- قسیس، ریمون. (۲۰۱۱). *ملحمة الحسين. الطبعة الأولى*، بیروت: دارالمحجة البيضاء.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). *بحار الانوار (الجامعة لسدر أخبار الائمة الأطهار)*. جلد ۴۵، الوفاء بیروت، لبنان.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۰). *حماسه حسینی*. قم: نشر صدرا.
- مقرر، عبدالرزاق. (۱۳۱۶). *مقتل الحسين (ع)*. ترجمه قربانعلی مخدومی. (۱۳۸۷). قم: نشر نصایح.
- هاشمی نژاد، عبدالکریم. (بی تا). *درسی که حسین علیه السلام به انسان ها آموخت (یک بررسی تحقیقی و جامع درباره اصیل ترین انقلاب های خونین جهان)*. چاپ دهم، تهران: نشر فراهانی.

Investigating the Strategic Role of Lady of the Karbala in the Poems of Contemporary Christian Poets

*M. Rahmati Torkashvand

**J. Azarbar

***F. Feizolahi

Abstract

The purpose of the present study was to examine the reflection of the personality of Lady Zainab (PEACE BE UPON HER) as the flag bearer of the Karbala movement in the poetry of contemporary Christian poets. Because of her valuable personality and her decisive role in the events of Ashura and after, including the sermons she expressed for awakening public opinion, expressing the oppression of the Ahlul-Bayt (AS) and revealing the identities of the enemies, had caused many writers and poets to worship and praise her from various religions as a symbol of oppression and freedom. The research was carried out through descriptive-analytic method referring to library sources. The findings indicated that Christian poets in their poems focus more on the role of Zainab (PBUH) in Karbala and subsequent events, including attending the Ashura event, delivering a sermon in the Yazid and Obaidullah, and defending Imam Sajjad (peace be upon him), The expression of the Ashura uprising, the devaluation of the Omavi family and so on had been taken into consideration. They saw Lady Zainab (peace be upon her) as the symbol and example in the fight against colonialism and oppression, and in the contemporary era they consider themselves as a continuation of her struggle against oppression.

Keywords: Lady of the Karbala, Arabic poetry, Christian poets.

*Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran. (Corresponding author, Email: rahmatimaryam88@gmail.com)

**Master of Arabic Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran. (Email: jabbarazarbad1372@yahoo.com)

***Master of Arabic Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran. (Email: f.feizolahi00@gmail.com)